KITAB I AWALAMINI

QIRAAT I KURDI



BAGHDAD:
THE SUPERINTENDENT GOVERNMENT PRESS
1920

KITAB I AWALAMIN I QIRAAT I KURDI

NUSRAWA BE WASTA I

MUHAMMED ZAKI EFFENDI

WA

MIRZA MUHAMMED BASHKA

MUALLIMAN I MAKTAB I HUKUMAT I SULAIMANIYA

TARTIB KRAWA BE WASTA I

MAJOR E. B. SOANE WA CAPTAIN W. J. FARRELL

NASHIR KRAWATAWA BE WASTA I

DAIRA I MAARIF I BAGHDAD

1336-1920

BAGHDAD:

PRINTED BY THE SUPERINTENDENT GOVERNMENT PRESS

1920

اشكال حروف		اسماء حروف		
بیوك نوع حروف بزرك	كوچك نوع حروف كوچك	كوردجه در كردی	عربجه در عربی	تركجه در تركی
A	a	A	آ	آ
B	b	BE	بيْ	به
C	c	CE	سيْ	ثه
D	d	DE	دَيْ	ده
E	e	E	أيْ	أ
F	f	FE	فَيْ	فه
G	g	GE	گَيْ	گه
H	h	HE	هَيْ	هه

کوردجه‌یی لاتین حروفاتیله یازمق اصولی
قواعد برای نوشتن زبان کردی بحروف زبان لاتینی

الفاظ و حروفی که در اینها لفظ حقیقی حروف ظاهر شود.	حرفك لفظ حقیقیسنی كوستریر مثاللر.
در زیر بیان شده است.	زیرده بیان ایدلمشدر.
مانند حرف «ب».	«ب» حرفی کبی‌در.
این حرف چنانکه در جدول حرفهای جفت بیان شده است اگر با حرف H مستعمل شود مثل حرف «چ» تلفظ شود.	اشبو حرف چفته حرفلر جدولنده بیان اولندیغی وجهله H حرفی ایله برابر قوللانیلورسه «چ» کبی تلفظ اولنور.
مانند حرف «د».	«د» حرفی کبی‌در.
این حرف مانند حرکهٔ (زبر) که در کلمهای BIZNEKI و 'PENJERA' کردی بمعنای «یک بزنه» و «پنجره» تلفظ شود.	اشبو حرف «برکچی» و «پنجره» معنالرنده اولان 'BIZNEKI'، و 'PENJERA' کلمه‌لرنده‌کی (اوستون) کبی تلفظ اولنور.
مانند حرف «ف».	«ف» حرفی کبی‌در.
مانند حرف (گ) که در کلمهٔ 'GIA' کردی که بمعنای «گیاه» است.	'GIA'، یعنی «اوت» کلمه‌سنده‌کی «گ» حرفی کبی‌در.
مانند حرف «ه» که در کلمهٔ 'HAT' کردی که بمعنای «آمده» است.	'HAT'، یعنی «کلدی» کلمه‌سنده‌کی «ه» حرفی کبی‌در.

اشكال حروف		اسماء حروف		
بيوك نوع حروف بزرك	كوچك نوع حروف كوچك	كوردجه در كردى	عربجه در عربى	تركجه در تركى
I	i	I	أِيْ	اى
J	j	JE	جِيْ	جه
K	k	KE	كِيْ	كه
L	l	LE	لَيْ	له
M	m	EM	أمْ	أم
N	n	NE	نَيْ	نه
O	o	O	[بر قدر نيست]	او

کوردجه‌یی لاتین حروفاتیله یازمق اصولی
قواعد برای نوشتن زبان کردی بحروف زبان لاتینی

حرفك لفظ حقیقیسنی کوستریر مثاللر .	الفاظ و حروفی که در آنها لفظ حقیقی حروف ظاهر شود .
REWI یعنی « تلکی »، و KILK یعنی « قویروق » کلمه‌لرنده کی « ی » حرفی کبی در .	مانند حرکهٔ (زیر) که در کلمهای کردی REWI و KILK ، بمعنای « روباه » و « کلك » است .
INJA یعنی « اوندن صوکرا » کلمه‌سنده‌کی « ج » حرفی کبی در .	مانند حرف « ج » که در کلمهٔ کردی INJA ، که معنی آن به فارسی « بعد از آن » است .
KANI یعنی « چشمه » کلمه‌سنده‌کی « ك » حرفی کبی در .	مانند حرف « ك » که در کلمهٔ کردی KANI ، بمعنای « چشمهٔ آب » است .
LAMPA یعنی « فانوس » کلمه‌سنده‌کی « ل » حرفی کبی در .	مانند حرف « ل » که در کلمهٔ کردی LAMPA ، بمعنای چراغ است.
« م » حرفی کبی در .	مانند حرف « م »
« ن » حرفی کبی در .	مانند حرف « ن »
بو حرف ترکجه‌ده « اوقومق » کلمه‌سنده‌کی « او » کبی تلفظ اولنور	تلفظ این حرف مثل حرف (او) که در کلمهٔ ترکی « اوقومق » ظاهر شود .

اشكال حروف		اسماء حروف		
بيوك نوع حروف بزرگ	كوچك نوع حروف كوچك	كوردجه دركردی	عربجه درعربی	تركجه در تركی
P	p	PE	[يوقدر نيست]	په
Q	q	QA	قَا	قا
R	r	RE	رَيْ	ره
S	s	ES	أَس	أس
T	t	TE	تيْ	ته
U	u	U	أوْ	او
W	w	WA	وا	وا
Y	y	YE	يَيْ	يه
Z	z	ZE	زَيْ	زه

کوردجه‌یی لاتین حروفاتیله یازمق اصولی

قواعد برای نوشتن زبان کردی بحروف زبان لاتینی

الفاظ وحروفی که در آنها لفظ حقیقی حروف ظاهر شود .	حرفك لفظ حقیقیسنی کوستریر مثاللر .
مانند حرف « پ » .	« پ » حرفی کبی در .
مانند حرف «ق» در کلمهٔ QULA' کردی که بمعنای «کوچك» است .	QULA' یعنی «اوفاق» کلمه‌سنده‌کی « ق » حرفی کبی در .
مانند حرف (ر) در کلمهٔ REWI' کردی که بفارسی معنی آن «روباه» است .	REWI' یعنی « تلکی » کلمه‌سنده‌کی « ر » حرفی کبی .
مانند حرف «س » .	« س » حرفی کبی در .
مانند حرف « ت » .	« ت » حرفی کبی در .
این حرف مانند حرف (او) که در کلمهٔ (اورا) تلفظ میشود .	بو حرف ترکجه ده « اوزون » کلمه‌سنده‌کی « او » کبی تلفظ اولنور .
مانند لفظ (و) که در کلمهٔ REWI' کردی است بمعنای « روباه » است .	REWI' یعنی « تلکی » کلمه‌سنده‌کی (و) کبی تلفظ اولنور .
تلفظ این حرف مانند حرف (ی) که در کلمهٔ YEK' است	YEK' یعنی « بر » کلمه‌سنده‌کی (ی) حرفی کبی تلفظ اولنور .
مانند حرف « ز » .	« ز » حرفی کبی در .

اسماء حروف		اشكال حروف		
بيوك نوع حروف بزرك	كوچك نوع حروف كوچك	كوردجه در كردى	عربجه در عربى	تركجه در تركى
CH	ch	CHE	[يوقدر نيست]	چه
DH	dh	DHE	ذَيْ	[يوقدر نيست]
GH	gh	GHA	غَا	غا
KH	kh	KHA	خَا	خا
SH	sh	SHE	شَيْ	شه
TH	th	THE	ثَيْ	[يوقدر نيست]

چفته حرفلر
حروف جفت

الفاظ وحروفی که در آنها لفظ حقیقیٔ حروف ظاهر شود .	حرفك لفظ حقیقیسنی کوسترر مثاللر .
تلفظ این حرف مانند تلفظ حرف (چ) در کلمهٔ BICHO که در کردی بمعنی (برو) میباشد .	بو حرف ترکچه‌ده‌کی « چ » کبی تلفظ اولنور کردجه‌ده BICHO یعنی « کیت » کلمه‌سنده‌کی « چ » بوکا مثالدر .
مانند حرف « ذ » در زبان عربی ومانند حرف « ذ » که در کلمهٔ کردی AGADHARI‘ این حرفی در زبان سلیمانیه مستعمل نیست .	عربجه‌ده‌کی « ذ » حرفی کبی در . مثلا کوردجه AGADHARI‘ یعنی « احتیاط » کلمه‌سنده‌کی « ذ » کبی در . سلیمانیه‌ده قوللانلماز .
مانند حرف « غ » در کلمهٔ « غالب » .	« غ » حرفی کبی در . مثلا AGHA‘ یعنی « اغا » کلمه‌سنده کی « غ » کبی تلفظ اولنور .
مانند حرف « خ » که در کلمهٔ KHWAI‘ کردی بمعنای « خودش » است مانند حرف « ش » .	KHWAI‘ یعنی « کندیسی » کلمه‌سنده‌کی « خ » حرفی کبی در . « ش » حرفی کبی در .
مانند « ث » در زبان عربی . ولی این لفظ در زبان کردی موجود نیست .	عربجه‌ده‌کی « ث » کبی در . اساساً کوردجه اولان کلمه‌لرده بو حرفه تصادف اولنماز . سلیمانیه‌ده قوللانلماز .

اشكال حروف			اسماء حروف	
تركجه در تركى	عربجه در عربى	كوردجه در كردى	كوچك نوع حروف كوچك	بيوك نوع حروف بزرك
ژه	(يوقدر نيست)	ZHE	zh	ZH

اخطار : بيوك حروفات بر جمله وياعباره‌نك وياخود مملكت ، شهر وياشخص اسمنك ابتداسنده يازيلور . بوندن ماعدا هر يرده كوچك حروفات استعمال اولنور. "U" و "N" حرفلرى اره‌سنده‌كى فرقه ايجه دقت اتمك ايجاب ايدر .

1 2 3 4 5 6 7 8 9 0

چفت حرفلر
حروف چفت

الفاظ وحروفی که در آنها لفظ حقیقیٔ حروف ظاهر شود .	حرفك لفظ حقیقیسنی کوستور مثاللر .
مانند حرف «ژ» در کلمهٔ کردی 'PIREZHIN' که بمعنای (پیرزن) است .	«ژ» حرفی کبی در . مثلا 'PIREZHIN' یعنی «اختیار قادین» کلمه سنده کی «ژ» بو کا مثالدر .

ملاحظه : حروفات بزرك در اول جمله وعبارها ویادر اول نامهای شهر واشخاص نوشته میشود . ولی در جاهای دیگر حروفات کوچك مستعمل است . بتفاوتی که بین حرف "N" و "U" هست بسیار دقت کردن لازم است .

1 2 3 4 5 6 7 8 9 0

صورت تلفظلرینه نظراً حروفات ایکی اساسی قسمه آیریلور ؛ وبو قسملره کوردجه DANG [دانك] و HANASAN [هناسان] تسمیه ایدیلور.

HANASAN [هناسان] یعنی صدالی حرفلر

صدالی حروفات تلفظ اولنورکن نفس کوکسدن چیقنجه دوداقلر، دیل وبوغاز حرکتسز قالیرلر .A, E, I, O, U حرفلری (هیناسان) درلر .

DANG [دانك] یعنی صداسز حرفلر

صداسز حرفلر تلفظ ایدیلیرکن دیل ،بوغاز ودوداقلر حرکتده بولنورلر. بالاده کی بش هیناسان حرفدن ماعدا دیکر حروفات عموماً (دانك)درلر.

حرفلرك یازوسنده استعمال اولنان وحرفلره بشقه برقیمت ویرن اشارتلر : ـ

۱ . ـ DANGI RAQQ [دانك راق] یعنی قوتلی صداسز حرفلر . R, L, H ، حرفلری کبی نرم [NARM] حروفاتك آلتنده برنقطه یازلدیغی حالده بوحروفات راق [RAQQ] اولوب دها شدتلی برصورتده تلفظ ایدیلورلر . زیرده کی جدول بونوع حروفاتی ارائه ایدر :

ازجهت تلفظ حرفها بدو قسم اساسی منقسم شوند ؛ واین دوقسم را در کردی DANG [دانك] و HANASAN [هناسان] نام میدهند.

حرفهای HANASAN [هناسان] یعنی باصداویاصائت

این حرفهای باصدا دروقت تلفظ چون ازسینه درمی آیند زبان وکلو ولبهایی حرکت میدهانند A, E, I, O, U این حرفهارا (هیناسان) میکویند.

حرفهای DANG [دانك] یعنی بی صدا ویا صامت

این حرفهای بی صدا چون تلفظ شوند زبان وکلو ولبها درحرکت می آیند . غیر از این پنج حرف هیناسان که دربالا ذکر شده است همه حرفهارا (دانك) میکویند .

اشارتهائی کەدرنوشتن مستعمل میشوندوبحروف قیمت دیکر ولفظ دیکر میدهند اینست :ـ

۱ . ـ DANGI RAQQ [دانك راق] یعنی حرفهای باقوت وبی صدا .

اکر یك نقطه درزیر این حرفهای نرم [NARM] R, L, H کذاشته شود لفظ آنها شدیدتر وراق [RAQQ] شود . این حدول کەدر زیر ترتیب شده است این حرفهارا بیان کند :

شکل حروف		اسم حروف		
بیوك نوع حروف بزرك	کوچك نوع حروف کوچك	کوردجه در کردی	در عربی عربجه	ترکجه در ترکی
Ḥ	ḥ	ḤĀ	حاَ	حا
Ḷ	ḷ	ḶĀ	لاَ	لا
Ṛ	ṛ	ṚA	رَا	را

۲[- : هیناسان] یعنی صدالی حروفات اوستنه وضع اولنان ایکی درلو علامت :-

(۱) A, E, I, U حرفلرندن بری اوستنده افقی برچیزکی یازیلورسه مذکور حرفك دها اوزون بر نفس ایله تلفظی ایجاب ایدر.

(۲) U, O حرفلری اوستنده ایکی نقطه یازلدیغی حالده O حرفی ترکجه « اولوم » و « اوکوز » کلمه‌لرنده کی (او) کبی و U حرفی « کون » کلمه‌سنده کی (و) کبی تلفظ اولنور .

الفاظ و حروفی که در آنها لفظ حقیقی حرف ظاهر شود .	حرفك لفظ حقیقیسنی کوسترر امثله
مانند حرف «ح»	«ح» حرفی کبی در .
«ل» درشت که در کلمهٔ 'KLAW' یعنی «کلاه» برین مثال شود .	'KLAW' ، یعنی «کلاه» کلمه‌سنده تلفظ ایدیلان «ل» مفخمه کبیدر .
مانند «ر» درشت که در کلمهٔ 'MAR' کردی که بمعنای «گسفند» است تلفظ میشود .	'MAR' ، یعنی «قویون» کلمه‌سنده کی «ر» مفخمه کبی تلفظ ایدیلور .

۲ ـ . در نوشتن بالای حرفهای [هیناسان] یعنی حرفهای باصدا دو نوع اشارت وضع میشود : ـ

(۱) اگر ببالای یکی از حرفها A, E, I, U اشارت (مد) باشد این حرفرا بنفس دراز تلفظ باید کرد .

(۲) ببالای این حرفها U, O چون دو نقطه نوشته شود حرف O چون حرف (او) که در کلمهٔ «اولوم» و «اوکوز» ترکی و حرف U چون حرف (و) که در کلمهٔ «کون» ترکی تلفظ میشود .

CHIFT-I-HANASAN.

چیفته هناسان حروفات

قاعدهٔ عمومیه اولەرق هناسان حروفات بربری آرقەسنده یازیلیرسه هر هناسان باشلی باشنه تلفظ ایدیلور. لکن بعضاً چیفته هناسان حروفات سرعتله اولنورسه هر ایکی حرفك صداسی مشترك صدا کبی چیقار. مثلا AI کبی چیفته هناسان حرفلر عمومیتله اوستونلی (ی) کبی و AI چیفته حرفلری ینه عمومیتله «آیریلمق» کلمەسندەکی (ی) مجاس کبی تلفظ اولنورلر.

CHIFT-I-HANASAN.

حرفهای چفت هناسان

قاعدهٔ عمومیست که اگر حرفهای [هناسان] یکی بعد از دیگر نوشته شوند هرحرف هناسان مستقل بذات خود تلفظ میشود . مگر بعض وقت که حرفهای چفت هناسان بزودی تلفظ شده باشند آنوقت صدای هردوحرف چون صدی یك حرف بدون آید . مثال این چون

AI این حرفهای چفت هناسان درهرجای مانندحرف (ی) بازبر و بن

AI حرفهای چفته هم مانندحرف (آی) که درکلمهٔ ترکی « آیرلق » تلفظ میشوند .

USUL I TAALIM BO MUALLIMAN.

Hawt dars ī awali har yēki be dū qism taqsīm krawa. Qism ī awal be hurūf ī gawrā matbua wa qism ī duām be hurūf ī pchūk nusrāwa.

Muhtawiāt ī qism ī duām wakū kalimāt ī qism ī awala wa bazi alawēshi la sar awal nusrāwa bikhōnim, wa fīr nūsīn ī kalimakān ī be hurūf ī gawrā bibin.

La pāshawa dast da kan bikhōnīn har hawt tamrīna ka la qism ī duām nusrāwin wa bizarifi fīr kalimakām bibin wa ba qaada ī nūsīn dastī binūsin, na waku hurūf qawrā bē.

La pāsh fīr būn am nūsīna dabē zor diqqat bikan bo tafriq o harfakāna ka mushabā be yektrin wakū : **n, u.**

DARS 1.

Kart 1. GA. KA. RAN. DAN. DAR. MAR. SHAR. ASH. MASH. MAST. BAKH. SHAKH. AW.

Kart 2. Ran, dan, dar, mar, shar, ash, mash, mast, bakh, shakh, aw, malos, masi, asik, gamesh, main, awena, asin.

DARS 2.

Kart 1. AW. ART. AL. AI.

Kart 2. Aw, art, al, ai, gala, mala, qazazi, penjera, bamia, bainjan, dazga, marakab.

DARS 3.

Kart 1. PE. SE. ME. NER. SHER. TER. KHER. YEK. KEW. LEW. MEW. SEW.

Kart 2. Pe, se, me, ner, sher, ter, kher, yek, kew, lew, mew, sew, harme, ester, ewa, ema, shewa, rega, jega, gelas, helka, yekane.

DARS 4.

Kart 1. BI. BIR. SHIN. ZHIN. MIL. ZIL. SHIL. KICH. DIZ. MIN. SIK. PISHT.

Kart 2. Bi, bir, shin, zhin, mil, zil, shil, kich, diz, min, sik. pisht, chini, zinjir, henjir, diza, derzi, piyala.

DARS 5.

Kart 1. MOM. RON. KON. BRO. DO. NOK. MOR. GOSHT.

Kart 2. Mom, ron, kon, bro, do, nok, mor, gosht, limo, doshek, doshaw, koter, goza, trozi, cholaka, rozh-ek.

DARS 6.

Kart 1. RU. DU. MU. FU. TU. DUR. TUR. PUR. SUR. ZHUR. RUT.

Kart 2. Ru, du, mu, fu, tu, dur, tur, pur, sur, zhur, rut, estur, rumet, tula, tutin, suzhin.

DARS 7.

Kart 1. DUR. KUR. QUR. KUN. TUN. KUL. GUL. KURT. QURS. KHUM.

Kart 2. Dur, kur, qur, kun, tun, kul, gul, kurt. qurs, khum.

DARS 8.

ALAI. KHWAI. GIAI. AI. LAI. BIKHWAIN. ATDAINE. SUBHAINE. ROISHT.

DARS 9.

1. Nuri kitab-ek-i haya.

2. Hamu waqte tamasha-i daka wa dars akhwene.

3. Ahmad roisht bo mal-awa.

DARS 10.

1. Wara nan bikhwain.

2. Chum bo aw dukan-a, hasht top chit-im kiri.

3. Chwar mindal haraian kird.

4. Insan du gochka-i haya.

5. Se harme-m khward.

6. Du kur-im haya.
7. Subhaine sar-im atashim.
8. Done chum bo hamam.
9. Aw-im khwardawa.

DARS 11.

1. Harme-m khward raq bu.
2. Danisha, bnusa. Dananishim.
3. Chi dawe? Qalam-ek-i farangi-m dawe.
4. Chi pe danusi? Khati inglizi pe danusim.

5. Chand kiteb-it haya? Hawt kiteb-im haya.

6. Naw-it chi-a?

7. Chi ala-it? Hich nala-im.

DARS 12.

1. Chi waqt achi bo malawa?

2. Tu kur-i kai?

3. La maktab afarin-it war girtuwa, yan na? Yeshta warim na girtuwa.

4. Bayanian zu shir u cha akhwamawa.

5. La pashda jil labaraka-m.

6. Hamu rozh waha bika.

DARS 13.

1. Saat chanda? Saat chwar u nima.

2. Dars-it labar kirduwa? Dars-im labar na kirduwa.

3. Inglizi akhwen-im wa wurda wurda fer dabim.

4. Hama arabayek-i haya wa du baran la nawi-da danishtuwa.

5. Choni? Chaki, shkur.

6. Chaw-im ba hasht kur kawt.

7. Mirishk dan akhwat wa jugalakan bakhew daka.

8. Faraj cholaka-yek-i bo Majid girt.

DARS 14.

1. Be mindali shte ferba ka la gawraida kalkit bigre.

2. Ishi imro, makhara subhaine.

3. Qsai chak awaya ka droi te-da nakre.

Chaka lagal khalq-da bika waku khwat pet khosha chak-it lagal bikan.

5. Tawfiq sag-ek-i haya. Am sag-a-i zor khoshawe.

6. Bayanian ka halaste la khaw
gurj ache bo lai sag-aka-i, lagal
khwa-i daiba bo maktab wa
tur-aka-i akhata mil-i-awa.

7. Ka agata maktab tur-akaka-i
la mil-i da dag re. Aw hala
sag-aka hara daka bo mal-awa.